

چکیده توسعه یافته

موانع پژوهش جامعه‌محور در دانشگاه‌های دولتی ایران: تحلیل کیفی دیدگاه خبرگان نظام پژوهش دانشگاهی

سیداسماعیل موسوی*

استادیار، گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

s.mousavi@irphe.ac.ir

احمد سعیدی

استادیار، گروه پژوهش‌های آماری و فناوری اطلاعات، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

a.saidee@irphe.ac.ir

اصغر زمانی

دانشیار، گروه مطالعات مدیریت آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

a.zamani@irphe.ac.ir

مقدمه: پژوهش جامعه‌محور رویکردی است که با هدف پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه شکل گرفته و ریشه در گذار از شیوه اول به شیوه دوم تولید دانش دارد. با وجود تأکید اسناد بالادستی بر مسئله محوری پژوهش، شکافی عمیق میان اولویت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها و نیازهای جامعه وجود دارد. مطالعات پیشین این موانع را عمدتاً در قالب فهرستی از عوامل منفصل و در یک سطح تحلیلی بررسی کرده و سازوکار پیوند و بازتولید آنها را تبیین نکرده‌اند. هدف این پژوهش، تبیین موانع پژوهش جامعه‌محور در دانشگاه‌های دولتی ایران از منظر خبرگان نظام پژوهش دانشگاهی و در قالب چارچوبی چندسطحی است.

روش‌شناسی: این مطالعه با رویکرد کیفی و راهبرد تحلیل مضمون بازتابی انجام شد. جامعه پژوهش شامل خبرگان، سیاست‌گذاران و مدیران ارشد نظام پژوهش دانشگاهی کشور بود و نمونه‌گیری هدفمند صورت گرفت. معیارهای ورود شامل دست‌کم پنج سال سابقه فعالیت در نظام پژوهش، تجربه مدیریتی یا سیاست‌گذاری، و آشنایی با مفاهیم پژوهش جامعه‌محور بود. در مجموع بیست مورد تحلیلی بررسی شد که ترکیبی از مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته با سیاست‌گذاران و مدیران ارشد پژوهشی، و مصاحبه‌های ساختاریافته کتبی با اعضای هیات علمی بود. تنوع رشته‌ای، جنسیتی، مرتبه علمی و جایگاه سازمانی در نمونه‌گیری لحاظ و تعداد موارد بر پایه اصل اشباع نظری تعیین شد. تحلیل بر اساس چارچوب شش مرحله‌ای براون و کلارک انجام و کدگذاری را سه پژوهشگر بر عهده داشتند؛ اختلاف‌ها از طریق جلسات مقایسه و توافق جمعی حل شد و از محاسبه ضریب

توافق میان کدگذاران به دلیل ناسازگاری با منطق تحلیل بازتابی خودداری گردید. کدگذاری با نرم افزار MAXQDA انجام شد.

یافته‌های اصلی: تحلیل داده‌ها به شناسایی پنج مضمون اصلی و بیست و هشت مضمون فرعی انجامید که در سه سطح سازمان یافتند. در سطح نهادی و حکمرانی، سه مضمون اصلی شناسایی شد: نبود حکمرانی هماهنگ و نهاد فرابخشی، ناکارآمدی نظام ارزیابی و ارتقا، و عرضه محوری در تعیین اولویت‌های پژوهشی. مشارکت کنندگان تصریح کردند خلأ اصلی نه در قانون بلکه در نهاد متولی است. در سطح سازمانی، مضمون ناسازگاری ساختار و فرایندهای دانشگاه شناسایی شد که شامل ساختار رشته‌محور، رقابت درون سازمانی بر سر منابع، انفعال دفاتر ارتباط با جامعه و صنعت، بوروکراسی مالی و قراردادی، و نبود سازوکار واسطه‌گری تقاضا بود. در سطح فردی، مضمون جهت‌گیری به برون‌دادهای کم ریسک شناسایی شد که گزینش موضوعات مقاله خیز، برجسب زنی منفی به کار کاربردی و عقلانیت بقا در آن نقش محوری داشتند. مدل شناسایی شده نشان می‌دهد این موانع زنجیره‌ای علی از سطح نهادی تا فردی می‌سازند؛ به گونه‌ای که فشار سطح نهادی از مجرای سطح سازمانی به انتخاب فردی ترجمه می‌شود. افزون بر این، یک مضمون معارض آشکار شد: تمایل به جامعه محوری در بدنه علمی وجود داشت و آنچه غایب بود، ساختار فرصت و پاداش بود.

بحث و نتیجه‌گیری: موانع پژوهش جامعه‌محور سرشتی سیستمی دارند و در قالب مدلی علی و سه سطحی تبیین پذیرند. در این مدل، دو مضمون نهادی یعنی نبود حکمرانی هماهنگ و ناکارآمدی نظام ارزیابی در مبدأ زنجیره قرار دارند و عرضه محوری در اولویت‌گذاری را تولید می‌کنند. این فشار به سطح سازمانی سرریز می‌شود و ناسازگاری ساختار و فرایندهای دانشگاه را تثبیت می‌کند؛ برآیند دو سطح نیز در سطح فردی پدیدار و عضو هیات علمی را به گزینش برون‌دادهای کم ریسک سوق می‌دهد. سه یافته دیگر این تصویر را کامل می‌کند. نخست، بی‌اعتمادی میان دانشگاه و سیاست‌گذار که دوسویه است: سیاست‌گذار به سبب تجربه عملکرد سازمانی دانشگاه و بدنه علمی به سبب ادراک بی‌عدالتی در ارزیابی و تخصیص منابع؛ تصریحی که آن را از متغیری فرهنگی به متغیری رفتاری و قابل مداخله بدل می‌کند. دوم، دو مفهوم معکوس شدن منطق پژوهش و برجسب زنی منفی به کار کاربردی که افزوده‌های مفهومی این مطالعه‌اند؛ دومی بعدی فرهنگی و حرفه‌ای را آشکار می‌سازد که کمتر گزارش شده و نشان می‌دهد کار جامعه‌محور هزینه‌ای نمادین نیز دارد. سوم، تمایز کمبود منابع از سوءمدیریت آنها که نشان می‌دهد چالش مالی ماهیتی حکمرانانه دارد و افزایش بودجه بدون اصلاح سازوکارهای تخصیص، جهت‌گیری پژوهش را تغییر نمی‌دهد. مشارکت نظری مطالعه، گذار از توصیف موانع به تبیین سازوکار بازتولید آنهاست و مضمون معارض نشان می‌دهد گلوگاه در سطح فردی نیست. لذا اصلاح باید هم‌زمان در سه سطح اجرا شود، زیرا مداخله تک سطحی با فشار سطوح دیگر خنثی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: پژوهش جامعه‌محور، حکمرانی پژوهش، پژوهش فرارشته‌ای، نظام ارتقای اعضای هیات علمی،

دانشگاه‌ها، ایران

Extended Abstract

Barriers to Society-Driven Research in Iranian Public Universities: A Qualitative Analysis of Academic Research System Experts' Perspectives

Seyedesmaeil Mousavi*

Assistant Professor, Department of Higher education management studies, Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran.

s.mousavi@irphe.ac.ir

Ahmad Saeedi

Assistant Professor, Department of Statistical Research and Information Technology, Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran.

a.saidee@irphe.ac.ir

Asghar Zamani

Associate Professor, Department of Higher education management studies, Institute for Research and Planning in Higher Education, Tehran, Iran.

a.zamani@irphe.ac.ir

Introduction: Society-driven research aims to address society's real needs and is rooted in the shift from Mode 1 to Mode 2 knowledge production. Despite the emphasis of Iranian upstream policy documents on problem-oriented research, a deep gap persists between universities' research priorities and societal needs. Prior studies have largely examined these barriers as a list of disconnected factors at a single analytical level, without explaining the mechanism through which they are linked and reproduced. This study aims to explain the barriers to society-driven research in Iranian public universities from the perspective of academic research system experts, within a multi-level framework. The general question is at which levels these barriers reside and through what pathways they reinforce one another.

Methodology: The study adopted a qualitative design with a reflexive thematic analysis strategy. The research population comprised experts, policymakers and senior managers of the national academic research system, and purposive sampling was used. Inclusion criteria were at least five years of experience in the research system, managerial or policymaking experience, and familiarity with the concept of society-driven research. Twenty analytical cases were examined, combining in-depth semi-structured interviews with policymakers and senior research managers, and written structured interviews with faculty members. Disciplinary, gender, academic rank and organizational diversity were considered in sampling, and the number of cases was determined by theoretical saturation.

Analysis followed Braun and Clarke's six-phase framework, and coding was carried out by three researchers; discrepancies were resolved through comparison meetings and collective agreement, and calculating an intercoder agreement coefficient was deliberately avoided as incongruent with the logic of reflexive analysis. Coding was performed by using MAXQDA software.

Main Findings: The analysis yielded five main themes and twenty-eight sub-themes organized across three levels. At the institutional and governance level, three main themes emerged: the absence of coordinated governance and a trans-sectoral body, the inefficiency of the evaluation and promotion system, and supply-driven priority setting. Participants stated that the central gap lies not in legislation but in the absence of a responsible coordinating body. At the organizational level, the theme of misalignment between university structures and processes was identified, encompassing discipline-based structures, internal competition over resources, passivity of community and industry liaison offices, financial and contractual bureaucracy, and the absence of a demand-brokerage mechanism. At the individual level, the theme of orientation toward low-risk outputs emerged, in which the selection of publication-yielding topics, negative labelling of applied work, and a survival rationality played central roles. The identified Model shows that these barriers form a causal chain from the institutional to the individual level, whereby institutional pressure is translated into individual choices through the organizational level. A counter-theme also emerged: willingness to engage with society existed among academics, and what was missing was the opportunity and reward structure.

Discussion and Conclusions: Barriers to society-driven research are systemic in nature and can be explained through a three-level causal model. In this model, two institutional themes, the absence of coordinated governance and the inefficiency of the evaluation system, stand at the origin of the chain and generate supply-driven priority setting. This pressure spills over to the organizational level and entrenches the misalignment of university structures and processes; its combined effect then materializes at the individual level, pushing faculty members toward low-risk outputs. Three further findings complete this picture. First, distrust between universities and policymakers proved mutual: policymakers draw on their experience of universities' organizational performance, while academics point to perceived unfairness in evaluation and allocation; a specification that turns distrust from a cultural into a behavioural and actionable variable. Second, the inversion of research logic and the negative labelling of applied work are the conceptual additions of this study; the latter reveals a cultural and professional dimension seldom reported internationally, showing that society-driven work also carries a symbolic cost. Third,

distinguishing scarcity from mismanagement of resources shows the financial challenge is a governance issue, and increasing budgets without reforming allocation mechanisms will not change research orientation. The theoretical contribution is the move from describing barriers to explaining their reproduction, while the counter-theme shows the bottleneck does not lie at the individual level. Reform must therefore be implemented simultaneously across all three levels, since single-level intervention is neutralized by pressure from the others.

Keywords: Society-driven research, Research governance, Faculty promotion system, Transdisciplinary research, Universities, Iran